

سلطنت نشین عمان

دکتر عزالدین رضائزاد^۱

چکیده

کشور «سلطان نشین عمان» دارای پیشینه تاریخی کهن می‌باشد. عرب‌ها، بیشتر ساکنان این کشور را تشکیل می‌دهند و اقوام بلوچ، جنوب آسیا، هند و ... هم در آن سکونت دارند. اکثر مردم این کشور مسلمان بوده و مذهب اباضی بیشترین پیروان را دارد. شهرهای مهم این کشور و پیشینه تاریخی تشکیل جمعیت، رویکرد اجتماعی - فرهنگی اباضیه، دورنمایی از جامعه مذهبی عمان، تاریخ سیاسی و حکومتی این کشور و خیزش و بیداری اسلامی از عناوین اصلی این نوشتار می‌باشد. هم‌چنین روابط عمان با جمهوری اسلامی ایران از قرن نوزدهم تا به حال، به صورت اجمالی گزارش شده است.

واژگان کلیدی: سلطنت عمان، مذهب اباضی، بیداری اسلامی، جمهوری اسلامی.

شناسه جغرافیایی عمان

کشور «سلطان نشین عمان»^۲ در منتهی‌الیه شرق و جنوب شرقی شبه‌جزیره عربستان بین منطقه جغرافیایی ۱۶/۴۰ و ۲۶/۲۰ درجه عرض شمالی و ۵۹/۴۰ و ۱۵/۵۰ درجه طول شرقی واقع شده است. سرزمین عمان به صورت یک کمربند ساحلی در حد فاصل بین «ربع الخالی» و دریای عرب قرار گرفته است. این کشور با ۳۰۹۵۰۰ کیلومتر وسعت شامل شبه‌جزیره «مسندم» و سرزمین اصلی عمان و چند جزیره کوچک می‌باشد. البته عمان به غیر از چند جزیره کوچک در دهانه تنگه هرمز، صاحب چندین جزیره نیز در دریای عرب می‌باشد. با توجه به موقعیت جغرافیایی عمان، هوای این کشور گرم و به ویژه در ساحل دریا سوزان است. البته به خاطر وسعت این سرزمین نمی‌توان آب و هوای خاصی را برای آن تعیین نمود.

۱- استادیار جامعه المصطفیٰ العالمیه.

2 - Sultanate of Oma.

خاک کشور عمان به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود:

(الف) ناحیه شمال کشور عمان که به نام شبه‌جزیره «مسندم» معروف است و خاک امارت «فجیره» و «شارجه» آن را از قسمت جنوبی کشور جدا کرده است.

(ب) جنوبی‌ترین قسمت خاک عمان را ایالت ظفار تشکیل می‌دهد. این ایالت که دارای نوار ساحلی تقریباً باریکی به طول ۳۷۰ کیلومتر است به سمت غربی امتداد پیدا می‌کند و با یمن هم‌مرز است. بر خلاف سایر مناطق شبه‌جزیره عربستان، در نواحی کوهستانی ظفار، جنگل‌های انبوهی وجود دارد و به همین علت این منطقه را «کوهستان سبز» نیز نامیده‌اند.

در منطقه «ظفار» طوایف گوناگونی از نسل «ودایی‌ها» دیده می‌شوند. اکثر ظفاری‌های اصیل در منطقه کوهستانی سکنی دارند. این گروه از نظر مذهب با دیگر مردمانی که دارای عقاید شیعه و سنی و اباضی می‌باشند تفاوت دارند. اسلام در این منطقه ضعیف مانده است. مردم ظفار علاوه بر حفظ سنت‌های فرهنگی قبل از اسلام، به زبانی سخن می‌گویند که در سراسر ناحیه جنوبی جزیره‌العرب قبل از گسترش زبان عربی، رایج بوده است. این زبان یکی از گویش‌های زبان عربی دوران قبل از حمیری‌ها بوده و به عربی شباهت ندارد. به‌طور کلی مردمان این منطقه از لحاظ فرهنگی بسیار شبیه یمنی‌ها بوده و نسبت به منطقه خود حس ناسیونالیستی قوی دارند. (یگانه، ۱۳۷۴ش، ص ۲۰۳ و ۲۰۴).

پایتخت و جمعیت عمان

پایتخت عمان شهر بندری «مسقط» است که در زمان اوج سلطنت عمان، یعنی اواسط قرن نوزدهم، حدود پانصد هزار نفر جمعیت داشت. در حال حاضر ۶۳۲ هزار نفر در آن ساکن‌اند. بر اساس سرشماری حکومت عمان در سال ۲۰۰۵ میلادی، کشور عمان بیش از ۲/۵۰۸/۸۳۷ نفر جمعیت داشته است که شامل ۱/۸۴۲/۶۸۴ نفر عمانی‌الاصل و ۶۶۶/۱۵۳ نفر غیرعمانی می‌باشد.

زبان رایج و رسمی عمان، عربی است ولی اهالی ظفار با زبان مخصوص خود صحبت می‌کنند که شباهت کمی به عربی دارد و زبان‌شناسان آن را با عربی از یک ریشه می‌دانند که با لهجه‌های آفریقایی اختلاط پیدا کرده است. (www.mofa.ir)

البته برخی ساکنان این کشور علاوه بر زبان عربی، از زبان‌هایی همانند انگلیسی، بلوچی، اردو و لهجه‌های هندی نیز استفاده می‌کنند.

از نظر ترکیب قومی، عرب‌ها با ۷۶/۳٪، بیشترین میزان جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند و ۲۳/۷٪ بقیه جمعیت این کشور از قوم بلوچ، جنوب، آسیایی (هند، پاکستان، سریلانکا و بنگلادش) و آفریقایی می‌باشند.

از نظر ترکیب دینی نیز ۷۵٪ جمعیت این کشور را مسلمانان اباضی، ۲۰٪ مسلمانان سنی، ۳٪ را مسلمانان شیعه و بقیه را هندوها و سایر مذاهب تشکیل می‌دهند. مسلمانان سنی بیشتر در منطقه صور و مناطق اطراف آن و در ظفار زندگی می‌کنند که بخش عمده‌ای از مسلمانان غیراباضی را تشکیل می‌دهند.

شیعیان در منطقه ساحلی باطنه و نیز در مناطق مسقط زندگی می‌کنند. این اقلیت شامل لواتی‌ها یا خواجه‌ها، بحارنه و عجمی‌ها می‌باشد. (<http://tahliinews.parsiblog.com>)

از مهم‌ترین جزایر عمان می‌توان از جزیره «مصیره» و «کوریا و ماریا» نام برد. این جزایر از مناطق استراتژیکی نظامی و اقتصادی می‌باشد که در این‌جا به شرح اجمالی آن دو پرداخته می‌شود:

(الف) جزایر «کوریا و موریئا»؛ مجموعه‌ای از چند جزیره است که در دریای عرب در ۱۳۰۰ کیلومتری خاور عدن و چهل کیلومتری ساحل عمان در نزدیکی کرانه‌های شمال شرقی ایالت ظفار قرار دارد. این مجموعه شامل پنج جزیره به نام‌های: «حلالیه»، «جیلیه»، «سورا»، «ماسکی» و «جوزونه» است که بزرگ‌ترین آنها جزیره «حلالیه» (یا جزیره موریئا) می‌باشد. مساحت «کوریا و موریئا» حدود هفتاد کیلومتر مربع است. ساکنان آن زندگی خود را از راه ماهی‌گیری می‌گذرانند. بیشتر این ماهی‌گیران در جزیره «حلالیه» ساکن می‌باشند و بقیه جزایر تقریباً خالی از سکنه است.

در سال ۱۸۵۳ یکی از بازرگانان انگلیسی مقادیر فراوانی «چلغوزی» که یک نوع کود گران‌بها معروف به «گورنو» و حاصل از مرغان دریایی است، در آن‌جا پیدا کرد و از سلطان مسقط سعید بن سلطان، خواست این جزایر را به انگلستان بفروشد یا واگذار کند. سلطان اصرار ورزید که جزایر را به صورت هدیه به ملکه «ویکتوریا» تقدیم نماید. جزایر در سال ۱۸۵۴ به انگلیس واگذار شده و ذخایر آن مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در سال ۱۹۳۷ جزایر «کوریا و موریئا» و مستعمره عدن تحت فرمان نماینده انگلیس در خلیج فارس قرار گرفت و سرانجام در سال ۱۹۶۷ با انجام همه‌پرسی از ساکنین جزایر و تمایل آنها، به سلطان عمان واگذار گردید.

(ب) جزیره «مصیره»؛ این جزیره از دیرباز پایگاه نظامی انگلیس بوده و در نزدیکی ناحیه «رأس الحد» است که مشرف به دریای عرب می‌باشد. بین کرانه این جزیره و ساحل عمان تنگه‌ای نیز به نام «مصیره» وجود دارد.

«مصیره» در حال حاضر نیز از نظر سوق‌الجیشی دارای اهمیت است و اخیراً آمریکایی‌ها طبق قراردادی پایگاه سابق انگلیس‌ها در این جزیره را ترمیم کرده و نیروهای واکنش سریع آنها از آن استفاده می‌کنند. ضمناً ایستگاه تقویتی رادیو بی بی سی نیز در این جزیره قرار دارد. این جزیره که فقط ۴۲۰ مایل با مهم‌ترین منابع نفت جهان فاصله دارد نه تنها برای امنیت شاهرگ حیاتی غرب مهم است، بلکه پایگاهی از تجهیزات نظامی و فنی می‌باشد، به‌گونه‌ای که این امکان را می‌دهد که

بمبافکن‌های غول‌پیکر از آنها استفاده کنند. این جزیره که از سرزمین شنی با پستی و بلندی‌های سنگی تشکیل شده است در حدود چهل مایل طول و دوازده مایل عرض دارد و در سال ۱۹۵۸م نیروی هوایی انگلیس پایگاهی در قسمت شمالی آن تأسیس نمود. این پایگاه دارای دو باند است که یکی از آنها پنج کیلومتر و دیگری ۴/۵ کیلومتر طول دارد و بمبافکن‌های بزرگ نیز قادرند از این پایگاه به پرواز درآیند. هم‌چنین این باندها می‌توانند بمبافکن‌های دارای کلاهک اتمی را نیز بپذیرند. این پایگاه هوایی هم‌چنین نقشی اساسی در جنگ علیه جنبش ظفار ایفا نمود. (یگانه، پیشین، ص ۴-۵).

شهرهای مهم

غیر از جزایر و بنادر کوچک و بزرگی که در عمان وجود دارد چند شهر در این کشور از ویژگی‌های خاص برخوردارند:

الف) مسقط

شهر بندری «مسقط» پایتخت کشور عمان است. اطراف این بندر را که در خلیج کوچک مدوری قرار گرفته، کوه‌های بلندی احاطه نموده و چهره‌ی زیبایی به آن داده است. بخش عمده جمعیت مسقط را بلوچ‌ها، پاکستانی‌ها، هندی‌ها و سیاه‌پوستانی تشکیل می‌دهند که از ایام گذشته به این شهر آمده‌اند. به لحاظ مذهبی، بیشتر ساکنان این منطقه اباضی بوده و همانند دروزی‌های لبنان جامعه‌ای بسیار بسته داشته، با اقوام دیگر تبادل فرهنگی ضعیفی دارند.

ب) مطرح

«مطرح» یکی از بزرگ‌ترین شهرهای عمان بوده و جمعیت نسبتاً زیادی دارد. از جمله ساکنان این شهر «خوجه‌ها» یا «خواجه‌ها» هستند که شیعه‌مذهب (اسماعیلی) بوده از ناحیه «کوچ» که در کرانه غربی شبه قاره هند واقع است به این شهر مهاجرت کرده‌اند و محله و مدرسه خاصی برای خود دارند.

ج) نزوی

«نزوی» یکی از شهرهای مهم و مرکز عمان داخلی می‌باشد. از گذشته کانون امامت فرقه اباضی و مخالفان سلاطین مسقط به شمار می‌رفته است. این شهر پیشینه طولانی در منطقه عمان دارد. مردم آن در صدر اسلام گرایش دینی و مذهبی داشته‌اند. از عالمان معروف این دیار، جابر بن زید است که در فقه و حدیث دارای آثار بوده است.

د) سیب

از شهرهای مهم دیگر عمان، شهر «سیب» است که قرارداد معروف «سیب» بین سلطان تیمور و امام محمد در این شهر منعقد گردید.

از دیگر شهرهای مهم عمان، می‌توان از «سالاله»، «صحرار» و «آزکی» نام برد.

پیشینه تاریخی تشکیل جمعیت

سکونت در عمان سابقه‌ای طولانی دارد و مهاجرت برخی از مسلمانان در نیمه اول قرن اول هجری به این منطقه شاهدی گویا بر این مسئله است. سرزمین عمان یکی از اولین سرزمین‌هایی بود که اسلام آورد (به وسیله‌ی عمر بن العس که مدتی بعد نیز اسلام را به مصر گسترش داد). قابل ذکر است که سرزمین عمان با وجود حملات متعدد از سوی خلفای اسلامی، ایرانی‌ها، مغول‌ها و دیگران توانسته است در طول تاریخ تا حدود زیادی استقلال خود را حفظ کند. (اسدی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۰۷).

در زمانی که سلاطین سابق عمان مستعمراتی در شرق آفریقا داشتند و حتی سلطان سعید پایتخت خود را از مسقط به زنگبار منتقل نمود تعداد زیادی از مردم عمان به این مناطق مهاجرت کردند که در سال‌های اخیر با بهتر شدن وضع عمومی کشور عمان بازماندگان این افراد در حال بازگشت به کشور خود هستند که درصدی از جمعیت فعلی عمان را این افراد تشکیل می‌دهند.

هم‌چنین از قرن هجدهم به بعد تعداد زیادی از هندی‌هایی که یا در ارتش انگلیس خدمت می‌کردند و به عنوان کمک به سلاطین عمان به این کشور آمده بودند و یا در ارتش خود این سلاطین خدمت می‌کردند، در این کشور ساکن شدند که بازماندگان آنها هم‌اکنون عمانی شده و در این کشور صاحب مشاغل عمده سیاسی و بازرگانی هستند ولی هنوز هم تقریباً سنت و آداب و رسوم و فرهنگ خود را حفظ کرده‌اند. (یگانه، پیشین، ص ۱۱).

اقوام و نژادهای عمانی

گرچه از قدیم‌الایام مهاجران غیر عرب در عمان زندگی می‌کردند، اما عمدتاً مردم آن‌جا را عرب‌ها تشکیل می‌دادند. قبایل گوناگون عربی در این سرزمین زندگی می‌کردند، از همین رو، سلطنت‌نشین عمان یک جامعه عشیره‌ای با طرز فکر و آداب و رسوم سنتی می‌باشد. درگیری دائمی بین قبایل این سرزمین که تعداد آنها به دویست عشیره می‌رسد از ویژگی‌های اصلی این کشور می‌باشد. هر عشیره با وابستگی به یکی از فرقه‌های مذهبی و اجتماعی، در مورد مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی طرز فکر به خصوصی دارد. در منطقه «باطنه» بلوچ‌ها و ایرانی‌ها، در ایالت «عمان الداخل» اعراب خالص، در منطقه «ظفار» سیاه‌پوستان و مهاجران آفریقایی و در منطقه «مسندم» قبیله «شیحوح‌ها» زندگی می‌کنند. قابل ذکر است که قبیله «شیحوح‌ها» عرب اصیل نیستند و از نظر فیزیکی و فرهنگی با سایر مردم عمان تفاوت دارند. آنان عربی را با لهجه متفاوت از عربی عمانی صحبت می‌کنند و سابقه طولانی در وابسته نبودن به قدرت مرکزی دارند.

تقسیمات اجتماعی در عمان از نظر اقتصادی و نژادی به محل زندگی افراد در مناطق کوهستانی و یا ساحلی بستگی دارد. در نواحی ساحلی مهم‌ترین فعالیت‌های اجتماعی شامل ماهی‌گیری،

کشاورزی و معاملات می‌باشد. در نواحی کوهستانی گله‌داری رکن اصلی اقتصادی محسوب می‌شود. در حال حاضر پیروان مذاهب مختلف در عمان با کمال تفاهم و دوستی در کنار یک‌دیگر زندگی می‌کنند. (یگانه، ص ۱۲).

مذهب اباضی در عمان

الف) شناسه اباضیه

عمانی‌ها جزء اولین مردمانی بودند که در صدر اسلام با آغوش باز دعوت به اسلام را پذیرفتند. مسلمانان عمان در قرن اول با برخی از صحابه و تابعین ارتباط مستقیم داشتند. شاید از تأثیرگذارترین شخصیت فکری و سیاسی در منطقه عمان بتوان از ابو شعثاء جابر بن زید ازدی و عبدالله بن اباض تمیمی (.... - ۸۶ ق) نام برد که فرقه اباضیه به آنها منتسب است.

قول مشهور میان مورخان و نویسندگان ملل و نحل این است که مؤسس مذهب اباضیه، عبدالله بن اباض تمیمی است. گرچه عده‌ای از محققان مذهب اباضی، نسبت مذهب خود را به عبدالله بن اباض نفی نمی‌کنند، ولی انتساب آن را به جابر بن زید ترجیح می‌دهند و معتقدند عبدالله بن اباض در آرا و اعمال خود طبق فتاوی جابر تصمیم می‌گرفته است. (طالب هاشم، ۱۴۰۱ق، ص ۴۹).

جابر بن زید با کنیه ابو شعثاء، شاگرد ابن عباس و از اهالی بصره و از قبیله «زُرد» بود که در زمان حجاج بن یوسف به عمان تبعید شد. درجه علمی و اشتهاش در میان تابعین مورد قبول همگان بود، از این رو تبلیغ او در عمان مؤثر واقع شد. وی در سال هجده هجری در نزدیکی شهر «نزوی» مرکز حکومت عمان به دنیا آمد و در سال ۹۳ هجری در بصره وفات یافت. جابر از بسیاری از صحابه کسب دانش کرد و در فقه تألیف بزرگی به نام «دیوان جابر» داشت که از بین رفته است و در علم حدیث، مُسندی دارد که از علی بن ابی طالب، ابن عباس، ابو سعید خدری، عایشه، عبدالله بن عمر، ابو هریره، انس بن مالک و دیگران روایت کرده است. بیشترین روایات او از ابن عباس و عایشه است. (بارونی، بی تا، ص ۲۷-۲۸).

برخی دیگر از محققان برآنند که در حقیقت دو مؤسس در مذهب اباضی وجود داشته است؛ یکی عبدالله بن اباض که رهبری سیاسی آن را بر عهده داشته و دیگری جابر بن زید که رهبری علمی و فقهی آن را عهده‌دار بوده است.

حکومت اباضیه در آغاز، یک حرکت علمی (کلامی یا فقهی) نبود، بلکه یک حرکت سیاسی - مذهبی بود که پس از ماجرای حکمیت شکل گرفت و با حکومت اموی موضعی خصمانه داشت و رهبری این حرکت را عبدالله بن اباض بر عهده داشت، زیرا وی از چهره‌های سیاسی - مذهبی

شاخص در آن زمان بود. جابر بن زید، فقط از نظر علمی برجسته و معروف بود، نه از نظر سیاسی. آن‌گاه که حرکت اباضیه شکل یک مذهب را به خود گرفت، جابر بن زید روش سیاسی عبدالله را تأیید کرد و به عنوان رهبر دینی مذهب اباضیه شناخته شد. (عمر بن الحاج محمد صالح، ۱۴۱۳ق، ص ۶۴-۶۵؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹ش، ص ۳۲۴-۳۲۵).

پیشینه حکومت اباضی در عمان به دوره انحلال حکومت بنی در سال ۱۳۲ق برمی‌گردد که توسط شخصی به نام «جلندی بن مسعود» شکل گرفت اما به سرعت از بین رفت. ابوالعباس سفاح، نخستین خلیفه عباسی با ارسال سپاهی به عمان، حکومت جلندی بن مسعود را در سال ۱۳۴ق از میان برداشت. اباضیه، پس از آن، بار دیگر به تشکیل حکومت پرداختند و حدود یک قرن حکومت کردند تا این‌که در میان آنان اختلافاتی رخ داد و پس از آن معتضد عباسی با حمله به عمان، حکومت اباضیه را در آن‌جا برچید، اما عقیده بیشتر مردم همچنان اباضی باقی ماند. (زرکلی، ج ۲، ص ۱۳۳؛ شهرستانی، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۳۶).

ب) رویکرد اجتماعی - فرهنگی اباضیه

اباضیه در مصادر و منابع فرق و مذاهب، انشعابی از فرقه «خوارج» به شمار می‌روند. سبب انشعاب، رویکردهای اجتماعی - فرهنگی رهبر این فرقه در برابر دیدگاه‌های افراطی خوارج نسبت به تکفیر مسلمانان، تندروی و ... بوده است. اباضیه با خوارج در شیوه برخورد با دشمنان مخالف بوده و روش مسالمت‌آمیز را بر خشونت و تندروی ترجیح می‌دهند. در مذهب آنان اگر چه مخالفان و مرتکبان کبیره کافرند، ولی قتل و غارتشان روا نیست؛ چه آن‌که مرتکبان کبیره را کافر نعمت می‌دانند نه کافر ملت. همچنین دیار مسلمانان مخالفشان را «دار توحید» دانسته نه دارالکفر و بر خلاف دیگر خارجیان، تقیه را جایز شمرده‌اند. (شهرستانی، پیشین، ص ۱۳۴-۱۳۵).

یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد که گرچه نویسندگان ملل و مذاهب، اباضیه را انشعابی از خوارج معرفی کرده‌اند، اما اباضیان معاصر به شدت این مطلب را نفی می‌کنند. (بارونی، پیشین، ص ۲؛ معمر، ۱۹۸۶م، ص ۵۱۰ به بعد، جلان، بی تا، ص ۹۰ به بعد).

از زمان رواج اباضی‌گری در عمان (و به‌طور کلی از اواسط قرن دوم هجری) رویکرد اجتماعی - فرهنگی اباضیه بر خلاف رویکرد خوارج، نرمش و میانه‌روی بوده است. هرچند در عرصه سیاسی با رقابت‌ها و مخالفت‌های حاکمان دیگر، فراز و نشیب قابل توجهی در میان اباضیه و دیگران رخ داده و همواره این سرزمین شاهد برخورد سلاطین و رهبران اباضیه بوده است، اما به‌رغم آن، اکثریت مردم عمان به پیروی از مذهب اباضی تعصب ورزیدند و همچنان این مذهب را زنده نگه داشتند. شاید یکی از دلایل بقای این مذهب، تلاش در میانه‌روی و زندگی مسالمت‌آمیز با قبایل و مذاهب دیگر باشد.

اینان بر خلاف خوارج و برخی از گروه‌های تندرو، مسلمانان را تفکیک نمی‌کردند، ازدواج پیروان این فرقه با دیگر مسلمانان را جایز دانسته، شهادت آنان را مقبول و توارث با آنان را روا می‌شمردند و قتال ابتدایی را فقط بعد از دعوت، اتمام حجت و اعلان جنگ جایز می‌شمردند. اباضیان خود را نمایندگان حقیقی مسلمانان و اهل عدل خوانده، راه و روش خود را راستین و امامان خویش را ائمه عدل و جانشین پیامبر در اجرای اصول اسلام می‌دانند. آنان امامت را یکی از واجبات الهی دانسته که از طریق قرارداد یا توافق خواص با «اهل حل و عقد» شکل می‌گیرد. بر اساس دیدگاه اباضیان، مسلمانان امام را آزادانه انتخاب می‌کنند و ارزش‌های قبیله‌ای، نژادی و قومی در آن راه ندارد و چنان‌که امام شرایط عقد بین مسلمانان و خود را رعایت نکند، امت حق عزل وی را دارند. (طالب-هاشم، پیشین، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ جلان، پیشین، ص ۱۹۵-۱۹۶).

ناگفته نماند که با به قدرت رسیدن سلطان قابوس، مسئله امامت اباضیان به فراموشی سپرده شد.

ج) عقاید کلامی اباضیه

از آن‌جا که عقاید اباضیه به عنوان مذهب رسمی کشور عمان پذیرفته شده است و اکثر مردم از جمله سلطان قابوس و خانواده و قبیله‌اش) اباضی مذهب‌اند، به عقاید کلامی و دیدگاه‌های اعتقادی آنان اشاره می‌شود. برخی از نویسندگان معاصر اباضی (سبحانی، ج ۵، ص ۳۰۲-۳۰۳) بر این عقیده‌اند که فرقه اباضیه فقط در دو مسئله، یعنی تخطئه حکمیت و شرط ندانستن قرشی بودن امام، با سایر فرقه‌های اسلامی اختلاف نظر دارند، ولی در سایر مسایل با یکی از مذاهب مشهور کلام هم‌عقیده‌اند؛ همان‌گونه که در مسئله صفات خدا، رؤیت، تنزیه، تأویل و حدوث قرآن با معتزله و شیعه توافق دارند و در مسئله شفاعت با معتزله هم‌عقیده‌اند و در مسئله قدر و خلق افعال با اشاعره هم‌رأی‌اند.

قلم‌هایی - از علمای سرشناس اباضیه - مؤلف کتاب «الکشف و البیان»، دیدگاه اباضیه را در مقایسه با عقاید فرقه‌های قدریه، معتزله، اهل سنت (اهل حدیث، صفاتیبه، اشاعره) و شیعه بیان کرده است. اباضیه با قدریه و معتزله در عقاید زیر مخالف‌اند:

۱. نفی قدر الهی در افعال انسان؛
 ۲. انکار عمومیت اراده خداوند در افعال ناروا؛
 ۳. اثبات منزلتی میان ایمان و کفر درباره مرتکبان کبایر.
- و در موارد زیر با آنان موافق‌اند:

۱. عینیت صفات ذاتی خدا با ذات؛
۲. نفی رؤیت بصری خداوند در دنیا و آخرت؛
۳. اثبات استحقاق ثواب برای مؤمن، هرگاه مرتکب گناه نشود یا توبه کند؛

۴. اثبات خلود عذاب برای مرتکبان گناهان کبیره که بدون توبه از دنیا می‌روند؛
 ۵. انکار نص در مسئله امامت.
- و با اهل سنت و اشاعره در عقاید زیر مخالف‌اند:
۱. اثبات صفات خبریه بدون تأویل؛
 ۲. اثبات رؤیت بصری خدا در قیامت برای مؤمنان؛
 ۳. اعتقاد به شفاعت در حق مرتکبان کبایر؛
 ۴. اعتقاد به زیادت صفات ذاتی خداوند بر ذات؛
 ۵. عدم خلود مرتکبان کبایر در دوزخ؛
 ۶. شرط قرشی بودن امام؛
 ۷. وجود اطاعت از امام، هرچند جائز و ستمکار باشد.

و در موارد زیر با آنان موافق‌اند:

۱. اثبات قدر الهی در افعال انسان؛
۲. عمومیت اراده خداوند در افعال بشر؛
۳. خلق افعال و نظریه کسب.

از آن‌چه گفته شد می‌توان به موارد موافقت و مخالفت اباضیه با شیعه امامیه نیز پی برد؛ آنان در مسایلی زیر با شیعه اثنا عشریه هم‌عقیده‌اند:

۱. عینیت صفات ذاتی خداوند با ذات؛
۲. تأویل و تفسیر صفات خبریه.
۳. امتناع رؤیت بصری خداوند.

و در مسایل زیر با عقاید شیعه مخالف‌اند:

۱. نص در امامت؛
۲. اعتقاد به شفاعت در حق گنه‌کاران؛
۳. عدم خلود مرتکبان کبایر در دوزخ؛
۴. ارتکاب گناه کبیره مایه کفر و شرک نخواهد بود. (ربانی گلپایگانی، ص ۳۲۷-۳۲۸).

دورنمایی از جامعه مذهبی عمان

چنان‌که پیش از این اشاره شد، بعد از ورود اسلام به منطقه عمان یک جریان مذهبی ویژه ایجاد گردید که اکثریت مردم به آن گرایش پیدا کردند و در طول تاریخ این کشور پس از اسلام تاکنون گرایش اباضی‌گری بر آن حاکم بوده است و غالباً حکومت و قدرت همیشه در دست پیروان مذهب اباضی بوده است؛ در نتیجه، در حال حاضر هم اکثریت مردم عمان مذهب اباضی دارند. دین رسمی

این کشور اسلام می‌باشد و اداره جامعه در مسائل فرعی با اصول شرعی فرقه اباضیه شکل گرفته است، به گونه‌ای که می‌توان گفت مذهب اباضی در تمام شئون مردم نفوذ دارد و سلطان قابوس با وجودی که می‌کوشد حکومت را به شیوه غیرمذهبی اداره کند ولی تاکنون موفقیت کامل به دست نیاورده است، زیرا پیروان مذهب اباضی تعصبات شدیدی دارند و در این گونه موارد بسیار حساس‌اند. با این وضعیت، رفتار اجتماعی - فرهنگی مردم عمان بر مبنای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز شکل گرفته، به گونه‌ای که در حال حاضر در این کشور پیروان مذاهب اباضی، سنی، شیعه اثنا عشری و شیعه اسماعیلی در کمال آرامش و صمیمیت در کنار هم زندگی می‌کنند و برخوردهای طردکننده و نزاع‌های مذهبی بین آنها رخ نمی‌دهد. وقتی یک تازه وارد در خیابان‌ها و بازار شهرهای عمان به گردش می‌پردازد به هیچ وجه نمی‌تواند پیروان مذاهب مختلف را که با صمیمت و با آرامی و به دور از هر گونه تعصبات مذهبی در حال زندگی هستند از هم تشخیص بدهد. پیروان این مذاهب به خاطر وصلت‌های خانوادگی بیشتر با هم فامیل هستند. البته تفرقه‌افکنان بین‌المللی و منافقان مذهبی هر از چند گاهی بر طبل تفرقه می‌کوبند و سعی می‌کنند در تحلیل‌ها و تفاسیر فرهنگی - سیاسی اختلافات مذهبی به ویژه میان شیعه و سایر مذاهب را برجسته نمایند، اما فعلاً پیروان مذاهب در مراسم مذهبی یک‌دیگر شرکت می‌کنند و حتی اباضی‌ها در حسینیه‌های شیعیان برای احترام به آنها حضور می‌یابند. (ر.ک: یگانه، پیشین، ص ۱۷).

اوضاع فرهنگی و آموزشی عمان

با نفوذ استعمارگران در خاورمیانه، منطقه عمان از دخالت بیگانگان در امان نمانده است. حکومت سلطنتی عمان در دوره‌های مختلف، نتوانسته هماهنگی لازم را برای رشد و توسعه مناسب فرهنگی و آموزشی ایجاد نماید. در دوران سلطنت سعید بن تیمور به علت خفقان موجود و عدم وجود رسانه‌ها و مطبوعات و عدم ارتباط لازم با مردم سایر کشورها و به‌طور کلی به دور نگه داشتن مردم کشور از جریان‌ها و رویدادهای بین‌المللی، امکان رشد و افزایش آگاهی‌های اجتماعی مردم عمان وجود نداشت. بعد از سقوط سعید بن تیمور و پدید آمدن فضای بیشتر آزادی، امکان دسترسی مردم به مسایل جهانی تا اندازه‌ای به وجود آمد و در سطوح پایین ادارات دولتی و به خصوص قشر تحصیل کرده افرادی وجود دارند که با مسائل خارج از مرزهای خود آشنا هستند.

مردم عمان از خصایص ویژه اجتماعی برخوردارند. بیشتر زنان با پوشش کامل در امکان عمومی ظاهر می‌شوند. مردها نیز همراه پوشیدن دشداشه‌های سفید و تمیز، کلاه مخصوص به سر می‌گذارند که نوعی احترام و منزلت اجتماعی محسوب می‌شود. عمانی‌ها در مراسم رسمی خنجر به کمر

می‌بندند و به جای کلاه، عمامه به سر می‌گذارند. رعایت نظافت، مصافحه، استعمال عود و عطرهاى خوش‌بو، رعایت نظم و قوانین راهنمایی و رانندگی، حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، گرامی داشتن مهمان و آرام سخن گفتن از ویژگی‌های دیگر جامعه عمانی است که آنان را نسبت به سایر کشورهای عربی منطقه متمایز می‌کند.

فعالیت زنان در این کشور به طور چشم‌گیری افزایش یافت. جمعیت زنان در کنار وزارت امور اجتماعی و کار جهت آگاهی زنان سمینارهای متعددی را در کشور برگزار کرده است. از سوی دیگر، وزارت دادگستری عمان با توجه به نقش مهم زن عمانی در پیشبرد روند توسعه کشور، در سال ۲۰۰۶م تعدادی زن را به عنوان محقق اجتماعی در دادگاه‌ها منصوب کرد.

به‌طور کلی تمامی زنان عمانی که در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، موقعیت بهتری داشته و در جهت کسب حقوق بیشتر برای زنان عمان تلاش می‌کنند. تحولی که اخیراً نسبت به موقعیت زنان این کشور روی داده، آن است که دو نماینده زن از استان مسقط توانسته‌اند به مجلس شورای ملی راه یابند. سه وزیر زن در کابینه فعلی عمان (۲۰۰۸) حضور داشته و پست‌های وزارت توسعه اجتماعی، آموزش عالی و جهانگردی را به عهده دارند. هم‌چنین هفت زن عضو مجلس هستند. زنان عمانی در فعالیت‌های ورزشی، جشنواره‌های فرهنگی زنان و فعالیت جهت تأسیس سازمان زنان نیز تلاش می‌نمایند. در این خصوص انجمن زنان عمانی در سال ۲۰۰۶ به مناسبت کمک‌های مالی سلطان قابوس برای احداث ساختمان انجمن زنان و اهتمام و توجه وی به زن عمانی راهپیمایی کردند.

گرچه در دوران گذشته به ویژه در دوران سلطنت سلطان سعید این کشور فاقد سیستم آموزشی بود، اما در حال حاضر آموزش عمومی وضعیت خوبی دارد. در سراسر کشور مدارس ابتدایی و متوسطه مشغول به کار هستند.

سیستم آموزشی این کشور بیشتر انگلیسی و الگو گرفته از سیستم آموزشی قطر می‌باشد. نظام آموزشی در عمان اجباری نمی‌باشد اما سطوح تحصیلی از ابتدایی تا دانشگاه برای همه شهروندان عمانی رایگان بوده و استقبال مردم از آن افزایش یافته است. آموزش ابتدایی از سن شش سالگی آغاز شده و به مدت شش سال به طول می‌انجامد. سطح بعدی نظام آموزشی به دو مقطع مساوی راهنمایی (پیش دبیرستانی) و دبیرستانی تقسیم می‌گردد که در مجموع بیش از شش سال می‌باشد. علاوه بر ۱۰۴۶ مدرسه دولتی (طبق آمار سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶) موجود در عمان، تعداد هشت دانشکده تربیت معلم و ده آموزشگاه حرفه‌ای و نیز مؤسسات علوم بهداشتی و بانکداری و چهار مؤسسه فنی در این کشور وجود دارد.

قابل ذکر است که هشت دانشکده اسلامی در این کشور مشغول فعالیت می‌باشد. در حال حاضر دو دانشگاه و بیش از سی دانشکده و مرکز آموزش عالی در عمان وجود دارد.

مهم‌ترین کتابخانه‌های عمان به شرح زیر است:

(الف) کتابخانه اسلامی در مسقط؛

(ب) کتابخانه انجمن انگلیس در مسقط؛

(ج) کتابخانه شورای توسعه در مسقط که در حقیقت سازمان برنامه و بودجه کشور است؛

(د) کتابخانه مرکز تفریح «رأس الحمراء» در مسقط.

هم‌چنین بعضی از سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دیگر این کشور نیز برای خود کتابخانه‌هایی دارند، مثل کتابخانه بانک مرکزی و کتابخانه وزارت کشاورزی. (ر.ک: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۸-۳۴).

تاریخ سیاسی و حکومتی عمان

تاریخ سیاسی عمان، از جنگ و درگیری‌های مستمر در این کشور حکایت دارد. آن‌چه امروز به نام سلطنت‌نشین عمان شهرت دارد تا قبل از سال ۱۹۷۰ میلادی عمدتاً «مسقط و عمان» نامیده می‌شد. پیشینه اختلافات و تضادهای اجتماعی این سرزمین نخست در قرن هشتم و نهم میلادی از برخورد عقاید مذهبی بین سنی‌ها و اباضی‌ها آغاز شده و سپس با پیدایش اختلافات دامنه‌دار در مورد مسائل مربوط به امامت و سلطنت رفته رفته جنبه سیاسی پیدا کرد. امامان عمان از قرن نهم میلادی به سواحل آفریقا رفته به تبلیغ اسلام و تجارت پرداختند. در این زمان بود که سرزمین عمان به اوج عظمت و رونق اقتصادی خود رسید و صحنه ماجراجویی‌های دریایی و مستعمراتی اروپا قرار گرفت. در اوایل قرن شانزدهم، پرتغالی‌ها به مسقط یورش برده و سواحل عمان و شرق آفریقا را که در اختیار عمان بود، اشغال نمودند. در حدود سال ۱۷۳۰ میلادی «حنواها»، یعنی طرفداران امام، و «غافری‌ها» مخالفان امام رو در روی یک‌دیگر قرار گرفتند. «سیف بن سلطان» امام مسقط برای جنگ با رقیب خود از نادرشاه تقاضای کمک کرد. به دنبال آن، لشکریان ایران وارد عمان شدند و پس از شکست نیروهای رقیب در آن‌جا ماندند. قوای ایران دوبار دیگر در سال‌های ۱۷۳۸ میلادی وارد مسقط و عمان شدند و در عملیات سال ۱۷۴۲م بخش مهمی از سرزمین فعلی عمان را به تصرف خود درآوردند ولی پس از قتل نادرشاه و آغاز کشمکش‌های داخلی در ایران، مسقط و عمان هم از دست ایران خارج شد.

در سال ۱۷۴۴م با کشته شدن تنها رقیب قبیله غافری‌ها، «احمد بن سعید» خود را سلطان این سرزمین معرفی کرد و قبایل مختلف نیز سلطنت وی را پذیرفتند. این شخص که پایه‌گذار سلسله

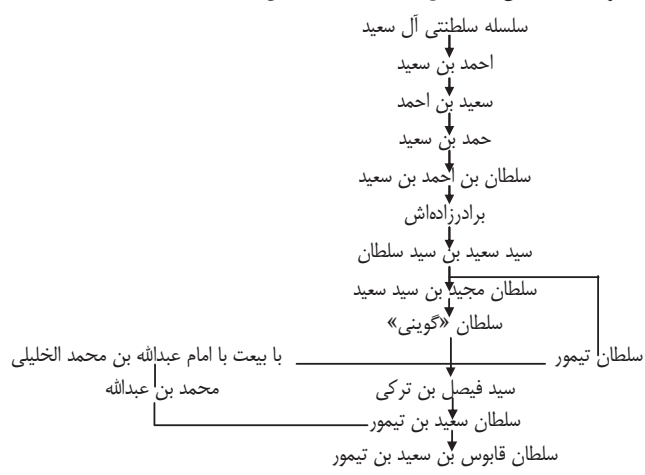
سلطنتی «آل سعید» است قدرت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و خود را سلطان نامید و از این تاریخ برای اولین بار قدرت سیاسی و قدرت مذهبی از هم جدا شد.

در سال ۱۷۷۸م پس از درگذشت «احمد بن سعید»، پسرش «سعید» زمام امور مسقط و عمان را به دست گرفت. در دوره وی پایتخت این سرزمین از «رستاق» به «مسقط» انتقال یافت. پس از وی سلطنت به «حمد بن سعید» رسید که در زمان وی برخی دژها و بناهای تاریخی ساخته شد و این حرکت عمران و سازندگی تا دوران «سلطان بن احمد بن سعید» ادامه یافت. «سلطان بن احمد» تحت حمایت انگلیس و با بهره‌گیری از اوضاع نابسامان و پر آشوب ایران در آغاز حکومت قاجاریه، بندر عباس، چابهار و گوآتر و هم‌چنین جزایر هرمز و قشم را به تصرف قوای خود درآورد اما بعد از به قدرت رسیدن آقامحمدخان، «سلطان بن احمد» احساس خطر کرده و به وسیله والی فارس خواستار اجاره مناطق اشغالی شد. آقامحمدخان این پیشنهاد را پذیرفت و طی فرمانی بندر عباس و جزایر هرمز و قشم را به مدت هفتاد و پنج سال در قبال سالی شش هزار تومان به سید سلطان و اولاد او واگذار نمود.

دولت انگلیس به خاطر رقابت سختی که با فرانسویان داشت اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم به فکر تثبیت نفوذ خود در منطقه خلیج فارس و دریای عمان افتاد. در سال ۱۷۹۸م قراردادی بین حکومت هند شرقی، انگلیس و سید سلطان بن احمد به امضا رسید. دو سال بعد از امضای قرارداد مذکور اولین نماینده سیاسی انگلیس وارد مسقط شد. در زمان حکومت سید سلطان قلمرو حکومت مسقط و عمان تا سواحل شرقی آفریقا و زنگبار نیز توسعه یافت. در سال ۱۸۰۴م سید سلطان هنگام مراجعت از جنگ با «جواسم» با شلیک گلوله از پای درآمد و برادرزاده وی جانشین او گردید ولی سه سال بعد نامبرده نیز کشته شد و «سید سعید» فرزند سید سلطان به قدرت رسید. این شخص از سال ۱۸۰۴ تا ۱۸۵۶م زمام امور را با قدرت به دست گرفت و نفوذ خود را چه در نواحی عمان و چه در سواحل مجاور توسعه داد. زمان حکومت سعید بن سلطان از ادوار پررونق مسقط و عمان بود. وی پیمان‌هایی با آمریکا، فرانسه و انگلیس منعقد نمود. با مرگ سید سعید در سال ۱۸۵۶م، اختلافات شدیدی بین دو فرزند او بر سر اداره سرزمین‌های وسیع مسقط و عمان بروز کرد. به این ترتیب دوران سقوط و تنزل قدرت و عظمت این سرزمین آغاز شد. ابتدا متصرفات مسقط و عمان در شرق آفریقا از حکومت مسقط جدا شده و تحت حکومت سلطان مجید قرار گرفت و سپس امام مسقط از انگلیس تقاضای کمک نمود. قوای انگلیس در سال ۱۸۶۴م به کمک نامبرده شتافتند و سرانجام سلطان «گوینی» به کمک انگلیس‌ها پیروز شد ولی اختلاف و رقابت بین امامان و سلاطین مسقط و عمان تا سال ۱۹۲۰م ادامه یافت. در این سال سلطان تیمور با امام جدید به نام «عبدالله بن محمد الخلیلی» با وساطت انگلیس مذاکراتی برای پایان دادن به اختلافات انجام داد و سرانجام موافقت‌نامه‌ای در شهر «سب» به امضا رسید.

با دخالت‌های فراوان انگلیس در عمان و در اثر قراردادهایی که دولت انگلیس با خاندان «آل سعید» منعقد ساخت این سرزمین به تدریج تحت‌الحمایه انگلیس درآمد و در سال ۱۸۹۱م نیز دولت انگلیس قراردادی را با «سید فیصل بن ترکی» سلطان مسقط و عمان به امضا رساند که سلطان و جانشینان او را متعهد می‌کرد تا بدون صلاحدید انگلیس به هیچ وجه کوچک‌ترین جزئی از سرزمین تحت حکومت خود را به دولت‌های خارجی واگذار نکنند. سلطنت‌نشین عمان و مسقط از قرن نوزدهم تا سال ۱۹۷۰م به صورت رسمی با بریتانیا روابطی دوستانه و خاص داشت. استقلال کامل عمان طی قرارداد دوستی با انگلستان در ۲۰ دسامبر ۱۹۵۱م حاصل گردید. با این حال هنوز هم تعدادی از افسران انگلیسی در نیروهای مسلح و پلیس عمان خدمت می‌کنند.

سلطان سعید بن تیمور در سال ۱۹۳۲م جانشین پدر خود گردید و تا سال ۱۹۷۰م به صورت محافظه‌کاری سرسخت و انزواطلب باقی ماند. (یگانه، پیشین، ص ۶۳-۶۵). وی حکمرانی مستبد، متعصب بود و کشور را به دور از روند پیشرفت و تمدن جوامع جدید حاضر (حتی در مقایسه با وضعیت کشورهای هم‌جوار خود) نگه داشته بود تا این که در پی شروع یک رشته تحولات سیاسی - اجتماعی گسترده در منطقه خلیج فارس در خلال دهه ۱۹۶۰م، «قابوس بن سعید» (پسر سلطان سعید) که تحصیل‌کرده علوم نظامی در انگلستان (دانشکده نظامی سندهرست) بود در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۰ با اشاره و موافقت انگلستان با یک کودتای بدون خون‌ریزی (سفید) پدرش را از سلطنت خلع کرد و خودش قدرت را به دست گرفت. از این زمان به بعد نام رسمی کشور نیز از «مسقط و عمان» به «سلطان‌نشین عمان» تغییر یافت. پس از این تغییر حکومت، تغییر و تحولات قابل توجهی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در عمان شروع شد و موفقیت‌های چشم‌گیری در مقایسه با وضعیت سابق به دنبال داشت. (اسدی، ص ۳۰۳-۳۰۴).



ساختار سیاسی عمان

حکومت عمان سلطنت مطلقه است، از این رو همه چیز در شخص سلطان خلاصه می‌شود. قانون اساسی در این کشور وجود نداشت تا آن که پادشاه عمان اولین قانون اساسی این کشور را در سال ۱۹۹۷م تأیید و تنفیذ کرد. تمام قوانین جاری مملکت که جهت اداره کشور به آنها نیاز است طی فرمانی از سوی سلطان صادر می‌شود و لازم‌الاجرا است. تشکیلات اداری و سیاسی حکومت زیر نظر مستقیم سلطان می‌باشد، که عبارت است از: رئیس هیئت دولت و شوراهای تخصصی. این شورا به فرمان سلطان و به منظور کمک به برنامه‌ریزی و اجرای سیاست کلی دولت ایجاد شده است و خود شامل شورای توسعه، شورای دارایی، شورای عالی جوانان و شورای حمایت از محیط زیست و مبارزه با آلودگی می‌باشد.

قوای سه گانه هیچ‌کدام مستقل نیستند و سلطان وظایف آنها را مشخص می‌کند. در اکتبر ۱۹۸۱م به دنبال پیشنهاد سلطان قابوس مبنی بر این‌که وی آگاهی کاملی از نظریات مردم ندارد، مجلس مشورتی عمان با ۴۵ عضو مشورتی (شامل هفده نماینده دولتی، هفده نماینده بخش خصوصی و یازده نماینده منطقه‌ای که همگی توسط سلطان انتخاب می‌شوند) شروع به کار کرد و در نوامبر ۱۹۸۳م اعضای این مجلس به ۵۵ نفر، شامل نوزده نماینده دولت افزایش یافت.

سلطان قابوس در نوامبر ۱۹۹۰م اعلام کرد که مجلس شورای ملی را جای‌گزین مجلس مشورتی می‌کند تا به این وسیله به شهروندان عمانی اجازه مشارکت بیشتر در وظایف و مسئولیت‌های ملی داده شود. رئیس مجلس به وسیله دولت منصوب می‌شود. نمایندگان مناطق مختلف کشور به مدت سه سال در این سمت باقی می‌مانند. شورای ملی در زمینه تصویب قوانین اقتصادی و مسائل اجتماعی دارای قدرت می‌باشد. البته این قوانین باید به تأیید هیئت دولت برسد.

ناگفته نماند پیرو تحولات منطقه‌ای و فشارهای غرب (آمریکا و انگلیس) انتخابات پارلمانی عمان در اواسط اکتبر ۱۹۹۷م انجام شد و تعداد ۸۲ نفر نماینده از شهرها و استان‌های عمان با آرای تعداد محدودی از رأی دهندگان عمانی انتخاب شدند. در این انتخابات برای اولین بار و به عنوان یک پدیده جدید اجتماعی - سیاسی کشور، زنان عمانی نه فقط اجازه شرکت در انتخابات، بلکه اجازه نمایندگی مجلس را نیز پیدا کردند. (روزنامه کیهان، شماره ۱۶۰۰۲، تاریخ ۱۳۷۶/۵/۲۱).

علاوه بر سلطه سلطان بر قوه مقننه، وی ریاست کشور را به عهده داشته، پست‌های فرماندهی کل نیروهای مسلح، نخست‌وزیری، وزیر دفاع، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر امور خارجه، رئیس شورای توسعه را نیز به عهده دارد. اعضای کابینه بیشتر از افراد خانواده سلطنتی و یا نزدیکان و وابستگان سلطان می‌باشند. بیشتر وزرا و مشاوران سلطان قابوس از فرقه اباضی بوده و تنها چند نفر از آنها شیعه و سنی هستند و به مدت طولانی در سمت خود ابقا شده‌اند.

در مورد قوه قضائیه هم ویژگی خاصی حاکم است؛ دادگاه شریعت عمان با استفاده از قوانین اسلامی به امور قضایی کشور رسیدگی می‌کند. وزیر دادگستری، اوقاف و امور اسلامی برای اداره دادگاه‌های محلی افرادی را به عنوان قاضی می‌گمارد. مقر دادگاه عالی در مسقط می‌باشد. اگر از دادگاه‌های محلی و نیز پایتخت دادخواستی انجام گیرد آن را به دادگاه عالی ارجاع می‌دهند. (یگانه، پیشین، ص ۶۷-۶۸).

خیزش و بیداری اسلامی در عمان

در چگونگی شکل‌گیری اراده سیاسی در عمان باید گفت مردم تقریباً هیچ دخالتی در امر کشورداری ندارند و هیچ اتحادیه، حزب و سندیکایی وجود ندارد. تشکیل هرگونه حزب سیاسی و انجمن و غیره نیز ممنوع است و هیچ‌گونه فعالیت سیاسی، اجتماعی و مردمی دیده نمی‌شود. رادیو و تلویزیون و مطبوعات تحت کنترل شدید دولت می‌باشد. آن‌چه که امروزه در این کشور و کشورهای دیگر منطقه در حال شکل‌گیری است و نوعی اعتراض به وضعیت موجود به شمار می‌رود، بهره‌گیری اقسار مختلف به ویژه جوانان از رسانه‌های جمعی بین‌المللی به خصوص ماهواره و اینترنت است. از سوی دیگر، با تلاش غرب برای گسترش فرهنگ غربی در میان جوانان، گرایش به این فرهنگ کم و بیش مشاهده می‌شود. شاید رفت و آمدهای بین‌المللی، رشد سواد و پیشرفت نسبی دانش و بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی موجود، به تدریج بر تحول اجتماعی - سیاسی مردم بیفزاید و سیستم سیاسی و حکومتی دست‌خوش تغییر گردد. برخی (اسدی، پیشین، ص ۳۰۵) معتقدند ثبات سیاسی موجود در عمان، به میزان زیادی بر محبوبیت عمومی پادشاه این کشور نزد جامعه و موفقیت او در هدایت و رهبری برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی عمان استوار است. البته این وضعیت، در شرایط حاضر وضعیت مطلوبی به شمار نمی‌رود. شاهد بر آن، خیزش بیداری اسلامی در خاورمیانه و کشورهای اسلامی از جمله عمان است. در اعتراضات مردمی منطقه در ماه‌های اخیر نسبت به حاکمان و کیفیت اداره کشور، شاهد اعتراض مردم عمان هم بوده‌ایم. شهر «صحار» در بهمن‌ماه و اسفندماه سال ۱۳۸۹ محل برگزاری تظاهرات بود. خبرگزاری‌ها مثل رویترز، ایلنا و ... گزارش دادند: تظاهرکنندگان خواستار اصلاحات سیاسی بودند. در شهر «صلاته» نیز مردم با تظاهرات و تحصن در برابر دفتر یکی از استانداران، ناراضی‌تری خویش را نشان دادند.

به گزارش گروه اخبار صوتی و تصویری ایرنا، الحیات چاپ لندن، روز سه‌شنبه ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ نوشت: شهر «صحار» در ۲۵۰ کیلومتری شمال مسقط پایتخت عمان هم‌چنان صحنه اعتراض‌های مردمی است. آتش‌سوزی ساختمان‌های خصوصی و عمومی و نیز مجتمع تجاری لؤلؤ و یک مرکز

بهداشتی، از جمله خبرهای مهم در عمان بوده است. صدها شهروند عمانی با ادامه اعتصاب در شهر «صحار» بر اجرای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و نیز اصلاح نهاد اداری تأکید کرده و خواستار عذرخواهی رسانه‌های دولتی از خرابکار معرفی کردن مردم معترض شدند. در این میان، اعضای مجلس شورای عمان نیز در اعلام هم‌بستگی با خواسته‌های شهروندان، در ساختمان مجلس اعتصاب کرده و علاوه بر خواسته‌هایی که مردم بر آن تأکید می‌نمودند، خواستار افزایش حقوق بازنشستگی، بهبود وضعیت تأمین اجتماعی و عفو بدهی‌های مسکن که در قالب وام وزارت مسکن به شهروندان اعطا شده است، شدند. (<http://khabarfarsi.com/ext/367617>).

در پی این اعتراضات، پاسخ این پرسش که ماهیت جنبش اعتراضی در سلطنت‌نشین عمان چیست، تا حدودی آسان خواهد بود. البته نه بدان معنا که سطح اعتراض‌ها به درخواست اصلاح مسایل اقتصادی و تحولات اجتماعی بسیط کاهش داده شود و نسبت به واقعیت امر که از اسارت سیاسی - فرهنگی مردم این کشور حکایت دارد، پرده‌پوشی کرد.

در حال حاضر ماهیت جنبش اعتراضی مردم عمان دست‌کم در سطح آشکار، بیشتر جنبه اقتصادی دارد، اما در سطح غیرآشکار این جنبش به راحتی می‌توان درخواست برای مقابله با نفوذ انگلیس و آمریکا و هم‌چنین افزایش مشارکت سیاسی بدون نظارت و اعمال نفوذ دربار را مشاهده کرد و بر اساس آن، ابراز عقیده کرد که تأثیر جبهه مردمی برای آزادی این کشور تا چه میزان بوده است. از این رو، آیا سلطان قابوس نسبت به مطالبات عمانی‌ها مبنی بر قطع نفوذ آمریکا و انگلیس و افزایش مشارکت سیاسی آحاد مردم این کشور تمکین خواهد کرد یا این که با جنگ‌افزارهای آمریکایی و انگلیسی به سرکوب این مطالبات و کشتار ملتش اقدام خواهد نمود؟

(<http://www.qodsna.com/newscontent-id-34777.aspx>)

تحولات اخیر در منطقه و خیزش و بیداری اسلامی، نویدبخش رشد حرکت دینی و سیاسی مسلمانان می‌باشد. به نظر می‌رسد فرصت به دست آمده، اگر با هوشیاری پی‌گیری شود و در دام توطئه‌های استکبار جهانی گرفتار نشود، اصلاحات دینی و سیاسی خوبی را برای مسلمانان به دنبال خواهد داشت و همگان از تجدید حیات اسلام بیشتر بهره‌مند خواهند شد.

روابط عمان با جمهوری اسلامی ایران

با توجه به قدمت روابط ایران و عمان در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی، تبیین همه آنها از عهده این نوشتار خارج است. در این‌جا به بیان روابط دو کشور در قرن نوزدهم و بیستم و سپس وضعیت روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و سلطنت‌نشین عمان پرداخته می‌شود.

الف) روابط ایران و عمان در قرن ۱۹ و ۲۰

روابط دو کشور در اوایل قرن نوزدهم و اواخر قرن هجدهم حول مسئله بنادر چابهار و بندرعباس و جزایر قشم و هرمز و بحرین دور می‌زد، چون پس از روی کار آمدن «احمد بن سعید» سرسلسله «آل بوسعید» در مسقط و عدم وجود دولت مرکزی مقتدر در ایران پس از مرگ نادرشاه، وی به بنادر و جزایر جنوب ایران دست‌اندازی کرده بعضی از آنها را تصرف کرد و در اوائل حکومت قاجار نیز کمتر به این نوع مسائل رسیدگی می‌کردند.

مسقط و عمان در قرن گذشته روابط سیاسی و اقتصادی بسیار نزدیکی با ایران داشته و تجار و سیاحان دو منطقه به طور مرتب بین دو کشور در رفت و آمد بوده‌اند. در آغاز قرن نوزدهم و شروع مداخلات انگلستان در مسقط و عمان روابط این کشور با ایران دچار دگرگونی‌هایی گردید. به طوری که از بررسی اسناد و مکاتبات سیاسی مربوط به قرن نوزدهم معلوم می‌شود بعضی از رجال وقت ایران، مسقط و عمان را جزئی از خاک ایران دانسته و حکام این سرزمین را دست‌نشانده دولت ایران می‌دانستند. پیروی عده‌ای از سلاطین «آل بوسعید» و امامان مسقط و عمان از پادشاه و یا حکام شهرستان‌های جنوبی کشور ایران این نکته را روشن می‌کند که اگر آنان مسقط و عمان را جزئی از ایران تصور نمی‌کردند دست‌کم خود را به طور رسمی تحت‌الحمایه شاه ایران می‌دانستند.

دولت مسقط در اوایل قرن نوزدهم دارای نیروی دریایی بزرگی بود و حکام و ایالت فارس برای ایجاد نظم در بحرین که جزئی از ایالت فارس محسوب می‌شد از قدرت دریایی مسقط استفاده می‌کردند، ولی کم‌کم سلاطین عمان و مسقط به قصد تصرف بحرین قدم برداشتند و آن را تصرف کردند. در سال ۱۸۰۱م امام مسقط برای سرکوبی و اخراج وهابیون از بحرین توسط شخصی به نام «شیخ علی» از «حسینعلی میرزا» حاکم فارس تقاضای کمک کرد. میرزا فرمانفرمای حاکم فارس که پدر زن سید سعید امام مسقط نیز محسوب می‌شد نیرویی را برای کمک به داماد خود اعزام کرده و با کمک نیروی دریایی عمان وهابیون را از جزیره بحرین بیرون نمودند. اما در سال ۱۸۱۶م دوباره حکام بحرین با کمک وهابیون و حمایت نماینده سیاسی انگلیس سر به طغیان برداشتند. بار دیگر بین فرمانفرما و سلطان مسقط توافق شد به بحرین حمله نمایند ولی در این حمله شکست خوردند. سلطان مسقط پس از این شکست با کشتی‌های خود به آن سوی خلیج فارس رفته باز هم از حکمران فارس تقاضای کمک نمود. هم‌زمان با مذاکرات امام مسقط با دولت ایران که در بندر «کنگان» صورت گرفت سلطان مسقط خبر یافت که مقامات ایران قصد توقیف او را دارند؛ از این رو به ناچار به مسقط بازگشت. یک سال بعد هم سلطان نماینده‌ای به دربار ایران گسیل داشت و ضمن عرض ارادت، درخواست نمود تا دولت ایران موافقت نماید بحرین را به نام شاه ایران تصرف کند که باز هم نتیجه‌ای به دست نیاورد. در این تاریخ که حدود سال‌های ۱۸۲۰م بود سیاست استعمار

انگلیس در خلیج فارس تحت عنوان مبارزه با دزدان دریایی آشکار شد و چون برای تحت نفوذ درآوردن مناطق ساحل جنوب خلیج فارس به آرامش در منطقه احتیاج داشتند وسیله صلح و آشتی بین سلطان مسقط و شیخ بحرین را فراهم نمودند.

قراردادهایی نسبت به برخی از جزایر مانند قشم، هرمز، بندرعباس، خمیر، میناب و ... میان ایران و مسقط منعقد گردید و روابط دو کشور تا فروپاشی حکومت سید سعید و روی کار آمدن فرزندش سلطان قابوس در فراز و نشیب بود. در این زمان دولت ایران به دنبال انگلیس و آمریکا به سرعت رژیم عمان را به رسمیت شناخته و پشتیبانی خود را از سلطان قابوس اعلام کرد. تا سال ۱۳۴۹ش (۱۹۷۰م) هیچ‌گونه رابطه‌ای بین ایران و عمان برقرار نبود. در دی‌ماه همان سال یک هیئت مطبوعاتی مرکب از نمایندگان کشور عازم عمان شدند و در شهریور ۱۳۵۰ دولت ایران طی یک اطلاعیه رسمی استقرار روابط سیاسی بین دو کشور را اعلام نمود و اولین سفیر دولت ایران در فروردین ۱۳۵۱ش (۱۹۷۲م) در مسقط مستقر گردید. روابط صمیمی و سفرهای مسئولان حکومتی دو کشور رو به فزونی نهاد و دولت ایران سیل کمک‌های همه‌جانبه نظامی و مالی خود را به عمان سرازیر کرد. این وضعیت تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی آخرین نیروهای ارتش ایران که پس از سرکوب جنبش ظفار هم‌چنان در عمان باقی مانده بودند به کشور بازگشتند. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، پیشین، ص ۱۵۹-۱۶۳).

ب) روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و سلطنت‌نشین عمان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روابط کشورهای اسلامی و منطقه با جمهوری اسلامی ایران ابتدا خوب و سپس به دنبال جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران متفاوت و غالباً هم‌سو با خواسته‌های قدرت‌های بزرگ بوده است. چند ماه قبل از شروع جنگ تحمیلی «قیس الزواوی» وزیر وقت مشاور در امور خارجی عمان به‌طور ناگهانی به بغداد سفر کرد. به دنبال این سفر حملات تبلیغاتی دو کشور علیه یک‌دیگر متوقف شد و روابط مسقط - بغداد که سال‌ها به خاطر حمایت مالی و تسلیحاتی عراق از جبهه آزادی‌بخش ظفار خصمانه بود رو به بهبودی گذاشت. با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دولت عمان بی‌طرفی خود را اعلام کرد اما وسایل ارتباط‌جمعی این کشور در نحوه انعکاس اخبار و گزارش‌های مربوط به جنگ هم‌سو با سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به جانب‌داری و حمایت از مواضع رژیم عراق می‌پرداختند. هم‌زمان با تغییر اوضاع جنگ به سود جمهوری اسلامی ایران پس از فتح خرمشهر، دولت عمان مواضع خود را تعدیل کرد، حملات تبلیغی خود را کاهش داد و با حفظ بی‌طرفی، در جلب نظر مجدد جمهوری اسلامی ایران سعی نمود.

پس از جنگ تحمیلی، روابط دو کشور روند مثبت و دوستانه‌ای گرفت. سلطنت عمان همواره تلاش نموده نقش و جایگاه خود را در سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران حفظ نماید. جناب آقای خاتمی رئیس‌جمهور سابق و جناب آقای دکتر عارف معاون اسبق ریاست‌جمهور بالاترین مقام‌های جمهوری اسلامی بوده‌اند که در مهرماه ۱۳۸۳ از عمان دیدار نموده‌اند.

همسایگی، مسلمان بودن، اشتراک نظر در قبال امنیت منطقه، صدور نفت، عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اشتراک نظر در اغلب مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی جزئی نقاط اشتراک روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و عمان است.

در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ مرادوات و سفرهای متقابل انجام شده بین مقامات دو کشور به شرح ذیل می‌باشد:

- ارسال پیام تبریک قابوس پادشاه عمان برای جناب آقای احمدی‌نژاد به مناسبت انتخاب ایشان به ریاست جمهوری؛

- سفر وزیر امور خارجه کشورمان به عمان در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۷؛

- سفر یوسف بن علوی وزیر مسئول در امور خارجه عمان به کشورمان در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۹؛

- سفر وزیر امور خارجه عمان به تهران در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۱ به منظور شرکت در ششمین نشست شورای وزیران اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند؛

- سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱۹ به مسقط. وی با پادشاه عمان دیدار و گفت‌وگو نمود. سلطان قابوس در این دیدار بهترین راه‌حل مسئله هسته‌ای ایران را مذاکرات سیاسی دانست؛

- سفر وزیر امور خارجه کشورمان در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۱۵ به مسقط. وی در ملاقات با سلطان قابوس پیام کتبی رئیس‌جمهور محترم جمهوری کشورمان را تسلیم وی نمود؛

- سفر معاون امور کشورهای عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه کشورمان به مسقط در تاریخ ۱۳۸۵/۶/۱۳ به منظور تسلیم نسخه‌ای از پاسخ ایران به بسته پیشنهادی کشورهای ۵+۱؛

- دیدار وزیر امور خارجه عمان با رئیس‌جمهور محترم جمهوری اسلامی ایران در حاشیه چهاردهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در کوبا در تاریخ ۱۳۸۵/۶/۲۴؛

- سفر یوسف بن علوی وزیر مسئول در امور خارجه عمان در تاریخ‌های ۱۳۸۵/۷/۹، ۱۳۸۵/۱۱/۲۹، ۱۳۸۵/۱۲/۱۶ به کشورمان و گفت‌وگو با مقامات جمهوری اسلامی ایران در خصوص مسایل منطقه‌ای، دوجانبه، موضوعات هسته‌ای، عراق، فلسطین و لبنان؛

- قابوس پادشاه عمان به مناسبت فرا رسیدن روز ملی عمان (۱۳۸۵/۸/۲۸) هشت نفر از اتباع ایرانی را که به جرم قاچاق مواد مخدر و حمل سلاح گرم و مسافر قاچاق به حبس‌های طولانی از

۲/۵ تا ۱۶/۵ سال محکوم شده و حدود نصف و بعضاً کمتر از نصف مدت دوران محکومیت خود را در زندان سپری نموده بودند، عفو نمود؛

- آقای مرتضی رحیمی سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در عمان در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۳ با قابوس پادشاه عمان ملاقات و استوارنامه خود را به وی تقدیم کرد.

- برگزاری پنجمین نشست کمیته مشترک دوستی نظامی ایران و عمان از تاریخ ۱۳۸۵/۸/۷ به مدت چهار روز در مسقط. طرفین در خصوص همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های نظامی و صنایع دفاعی از جمله آموزش نیروی انسانی، استفاده از تجارب و تبادل اطلاعات، حضور نیروهای نظامی در مسابقات قرآنی و ورزشی، انجام مانورهای مشترک مربوط به جست‌وجو و نجات دریایی و مبادله اطلاعات درباره تردد کشتی‌های نظامی در تنگه هرمز و دیگر مسائل مورد علاقه بحث و تبادل نظر نموده و توافقات به عمل آمده در صورت‌جلسه‌ای که به امضای طرفین رسید، منعکس گردیده و موافقت طرف عمانی با تأسیس نماینده فروش تولیدات نظامی کشورمان در مسقط در چارچوب مقررات عمان از جمله این توافقات می‌باشد؛

- سفر هیئت فنی پنج نفره از وزارت دفاع و صنایع نظامی کشورمان به ریاست سرتیپ عبدالله خیراللهی مدیر کل صادرات وزارت دفاع به مسقط از تاریخ ۱۳۸۵/۸/۸ به مدت سه روز. در ملاقات با طرف عمانی در وزارت دفاع این کشور هیئت ایرانی تولیدات دفاعی کشورمان را معرفی و آمادگی طرف ایرانی را برای هرگونه همکاری اعلام نمود.

همچنین مقرر شد هیئتی از وزارت دفاع عمان به منظور دیدار از صنایع دفاعی کشورمان به جمهوری اسلامی سفر نماید؛

- سفر یک روزه وزیر امور خارجه کشورمان در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۹ به منظور گفت‌وگو با همتای عمانی خود در خصوص راه‌های توسعه روابط دوجانبه، آخرین تحولات در منطقه و مطلع نمودن همتای عمانی خود از آخرین تحولات هسته‌ای ایران؛

- ملاقات وزیر امور خارجه کشورمان با وزیر مسئول در امور خارجه عمان در منامه در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۱۷ در حاشیه کنفرانس امنیتی در بحرین و گفت‌وگو در مورد روابط دوجانبه و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی؛

- برگزاری سومین نشست مسئولین یگان‌های گارد ساحلی و مرزی جمهوری اسلامی ایران و عمان از تاریخ ۱۹ تا ۲۲ آذرماه ۱۳۸۵ در بندرعباس؛

- سفر هیئت ۲۴ نفره از بازرگانان عضو اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به ریاست آقای محمد پرهام معاون امور مجلس اتاق بازرگانی به عمان در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۲۱، جهت شرکت در سومین اجلاس شورای مشترک بازرگانی ایران و عمان و مذاکره درباره مسایل مورد علاقه دو کشور و بررسی مشکلات فراروی بازرگانی در بخش خصوصی؛

ارسال پیام کتبی «بیان مواضع کشورمان» از سوی رئیس ایرانی گروه دوستی پارلمانی دو کشور به همتای عمانی خود در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۲ در مورد قطع‌نامه ۱۷۳۷ شورای امنیت سازمان ملل در خصوص برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران؛

- تماس تلفنی جناب آقای متکی وزیر سابق امور خارجه کشورمان با همتای عمانی خود در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۹ و گفت‌وگو در خصوص مسایل منطقه‌ای؛

- ورود شیخ یحیی بن عبدالله بن سالم آل فنه العریمی سفیر جدید عمان در کشورمان به تهران در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۹؛

- سفر هیئت شش نفره نظامی از عمان به منظور هماهنگی و برنامه‌ریزی مانور تجسس دریایی از تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۴ به مدت چهار روز به دعوت ستاد کل نیروهای مسلح؛

- افتتاح دفتر مسافرتی ایران در مسقط؛

- در راستای اجرای سیاست‌های کلان دولت جمهوری اسلامی ایران برای جذب گردشگران خارجی، در تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۵ دفتر مسافرتی ایران در راستای معرفی بهتر جاذبه‌های گردشگری کشورمان در مسقط گشایش یافت. این دفتر مسافرتی با توجه به علاقه روزافزون شهروندان عمانی برای دیدار از جمهوری اسلامی ایران افتتاح شده است؛

- در مورد همکاری‌های امنیتی بین دو کشور قابل ذکر است، طرف ایرانی متن پیشنهادی موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی بین دو کشور را در سال ۱۳۸۲ تسلیم طرف عمانی نموده و طرف عمانی در بهمن ماه ۱۳۸۵ نظر خود را درباره متن این موافقت‌نامه به طرف ایرانی اعلام نموده است؛

- در سفر وزیر شهرداری‌های منطقه‌ای، محیط زیست و منابع آب عمان در صدر یک هیئت شش نفره به تهران برای شرکت در چهارمین اجلاس مدیریت منطقه‌ای آب که از تاریخ ۱۳۸۵/۲/۲۳ به مدت سه روز برگزار شد، یادداشت تفاهمی در زمینه همکاری آب بین دو کشور توسط وزیر شهرداری‌های منطقه‌ای و محیط زیست و منابع آبی عمان و وزیر محترم نیروی کشورمان امضا شد؛

- دولت عمان هم‌چون سال‌های گذشته در سال ۱۳۸۵ نیز به پیشنهاد عدم اقدام در قبال قطع‌نامه پیشنهادی کانادا علیه جمهوری اسلامی ایران رأی مثبت داد. به‌طور کلی عمانی‌ها نسبت به معیارهای غرب در مورد حقوق بشر و تسری و اعمال آن بر کشورهای اسلامی، تحفظ داشته و در این مورد تعاملات بسیار خوبی با ایران دارد؛

- در خصوص مدیریت و حل و فصل پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، ملاقات‌ها و رایزنی‌های متعددی با مقامات سیاسی عمان در راستای حمایت از حق مسلم ایران در بهره‌مندی از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بر اساس معاهده (NPT) صورت پذیرفته است. به این منظور در مواقع بحرانی و اعمال فشار علیه کشورمان با توجه به رابطه ویژه و خاص عمان با انگلستان و ایالات

متحدہ آمریکا، سفرهای دوجانبه در سطح وزیر خارجه و دبیر شورای عالی امنیت ملی به پایتخت‌های یکدیگر در سال ۱۳۸۵ صورت پذیرفته و رایزنی‌ها و مذاکرات مبسوط و طولانی به انجام رسیده است.

هم‌چنین در طی سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ سفرهای متعددی بین مقامات دو کشور انجام شد و در آخرین این دیدارها، سید فهد بن محمود آل سعید معاون نخست وزیر عمان در سفری بسیار مهم و تاریخی در رأس هیئت بلند پایه عمانی متشکل از وزیر امور خارجه و چهار وزیر دیگر در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱ از کشورمان دیدار کرده و با مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران پیرامون مسایل مختلف دو جانبه و منطقه‌ای به بحث و گفت‌وگو پرداخت و در پایان، سه سند همکاری در زمینه‌های راهبردی و انرژی بین دو کشور به امضا رسید. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۱۶۳-۱۶۸).

در پنج سال اخیر روابط دو کشور بیش از دهه‌های گذشته شده است. سفر سلطان قابوس به ایران در ۱۳ مرداد سال ۱۳۸۸ اهمیت بسیاری داشت. در این سفر، ایران و عمان هفت یادداشت تفاهم امضا کردند. رئیس جمهوری اسلامی ایران و پادشاه عمان با تأکید بر این‌که تهران و مسقط دارای منافع و دشمنان مشترک هستند بر لزوم گسترش و افزایش مناسبات و همکاری‌های دو کشور در همه زمینه‌ها تأکید کردند. دو کشور می‌توانند با طراحی جامع و مناسب در جهت تأمین امنیت پایدار در منطقه حساس خلیج فارس و دریای عمان گام بردارند.

منابع و مأخذ

- ۱- اسدی، بیژن، خلیج فارس و مسائل آن، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۸ ش.
- ۲- بارونی، سلیمان، مختصر تاریخ الأباضیه، مکتبه انصاری، سلطنة عمان، بی‌تا.
- ۳- جلان، عدوّن، الکفر السیاسی عند الاباضیه من خلال آراء الشیخ محمد بن یوسف اطفیش، مکتبه انصاری، عمان، بی‌تا.
- ۴- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، عمان، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۷ ش.
- ۵- ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش.
- ۶- زرکلی، الاعلام.
- ۷- شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل.
- ۸- طالب هاشم، مهدی، الحركة الاباضیه فی المشرق العربی، دار الاتحاد العربی، بی‌جا، ۱۴۰۱ ق.
- ۹- عمر بن الحجاج محمد صالح، دراسة فی الفکر الاباضی، مکتبه الاستقامه، ۱۴۱۳ ق.

۱۰- معمر، علی یحیی، الاباضیه بین الفرق الاسلامیه، وزارة التراث القومي، عمان، ۱۹۸۶م.
۱۱- یگانه، عباس، عمان، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

12- www.mofa.ir

13- <http://tahlilnews.parsiblog.com>

14- <http://khabarfarsi.com/ext/367617>

15- http://qodsna.com/newscontent_id_34777.aspx

کتابخانه

